

تَبَسُّم

=====

تبسمی اگر آن لعلِ گلغُذار کند
چنانکه خنده گلابی به نو بهار کند

تبسمی ز نگاه های عاشقانه بُود
که برقراری دل های بیقرار کند

تبسمی که دهد روشنی صبح امید
ز نوشند لبش خجالتِ انار کند

تبسمی که دو عالم از او شود خندان
که روزگار هم این خنده اختیار کند

تبسمی که بروید گلی محبت از او
که خارزارِ خصیمانهِ شرمسار کند

تبسمی که کند مهربانه سحر بدل
تبسمی که حقارت از او فرار کند

تبسمی که زَنَد ریشه در همه دلها
دماغِ ناقه ی ابلیس را مهار کند

تبسمی که به اخلاص هر که زد "فضلی"
خُدش اجرِ دو عالم به او نثار کند